

## حقوق کارگران موضوعی مربوط به عهد باستان<sup>۱</sup>

ادوارد وگال آنو<sup>۲</sup>

برگردان: هما احمدزاده

هر هفته بیش از یک میلیون نفر از فروشگاه‌های وال - مارت<sup>۳</sup> خرید می‌کنند. بیش از ۹۰۰ هزار نفر از کارکنان این فروشگاه زنجیره‌ای اجازه ندارند به هیچ اتحادیه‌ای بپیوندند. اگر هر کدام از آنان دربارهی عضو شدن در اتحادیه اقدامی کند، اخراج خواهند شد. این شرکت یکی از اصول حقوق بشر مصوب سازمان ملل، یعنی حق آزادی اجتماعات و تشکیل اتحادیه‌ها را به طرزی خشن نقض می‌کند. در سال ۱۹۹۲ سام‌والتون<sup>۴</sup> مدیر این شرکت مدال آزادی<sup>۵</sup>، یکی از پراهمیت‌ترین مدال‌های آمریکا را دریافت کرد.

بیست و پنج درصد بزرگسالان و نود درصد کودکان و نوجوانان در آمریکا با خوردن غذاهای مک‌دونالد اضافه‌وزن پیدا می‌کنند. کارکنان مک‌دونالد نیز مانند غذاهایش یک بار مصرف‌اند و پس از بهره‌برداری به دور ریخته می‌شوند، با آن‌ها مانند ماشین رفتار می‌شود آن‌ها حق پیوستن به اتحادیه‌ها را ندارند.

در مالزی، جایی که اتحادیه‌ها حضور فعالی دارند، شرکت‌های چندملیتی مانند اینتل، موتورولا، تکزاس اینسترومنتس و هیولت پکارد سعی کرده‌اند از شر آن‌ها خلاص شوند و در این زمینه دولت را تحت فشار قرار داده‌اند. به همین دلیل، حکومت مالزی صنایع الکترونیک را «بدون اتحادیه» اعلام کرده است.

در سال ۱۹۹۳ در یک کارگاه بزرگ عروسک‌سازی ۹۰۰ کارگر در اثر آتش‌سوزی از بین رفتند، زیرا در موقع فرار با دری رویه‌رو شدند که از خارج قفل بود. آن‌ها هیچ شانس برای متحد شدن و کسب حقوق قانونی و بهبود شرایط کار خود را نداشتند.

در مبارزه‌ی انتخاباتی بوش و الگور در انتخابات گذشته، هر دوی آن‌ها در ضرورت گسترش الگوی «روابط کار آمریکایی» به سراسر دنیا موافقت داشتند. این مشخص‌کننده‌ی مرحله دیگری از جهانی‌سازی است که می‌رود تا به کمک فن‌آوری امروز با غلبه بر فاصله‌ها، گوشه و کنار سیاره‌ی ما را فتح کند.

1. Sand in the wheel No. 175 (www.attac.org)

2. Eduardo Gale Ano

3. Wal-Mart

4. Sam Walton

5. Liberty Medal

یک کارگر کارخانه نایک<sup>۱</sup> در اندونزی باید صد هزار سال کار کند تا معادل حقوق سالانه‌ی یک مدیر اجرایی این شرکت در آمریکا حقوق بگیرد. کارگری که در کارخانه آی. بی. ام. فیلیپین کامپیوتر تولید می‌کند، قدرت خرید یک کامپیوتر را ندارد.

این ادامه‌ی دوران استعمار در ابعادی بی‌سابقه است. تھی دستان جهان به اجرای نقش سنتی خود ادامه می‌دهند، کار ارزان که در گذشته مواد غذایی صادراتی ارزان مانند: کاکائو، برنج، قهوه، شکر و... تولید می‌کردند، امروزه عروسک، کفش‌های ورزشی، کامپیوتر و محصولات با فن‌آوری پیشرفته برای بازار جهانی تولید می‌کنند. از سال ۱۹۱۹ تاکنون ۱۸۳ معاهده برای مدون کردن روابط کار در جهان به تصویب رسیده که از این تعداد فرانسه ۱۱۵، نروژ ۱۰۶، آلمان ۷۶ و آمریکا ۱۴ مورد آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند. کشوری که سرمدار پیشبرد جهانی‌سازی است تنها از قوانین خود یعنی قانونی کردن آزادی شرکت‌های بزرگ در شکار کار ارزان، پیروی می‌کند. آن‌ها منطقه‌های مختلف را فتح می‌کنند و کثافت کارخانه‌های تولیدیشان محیط زیست را آزادانه آلوده می‌کند.

این کشور دیگر لزومی برای تدوین قوانین کار قایل نیست، و اکنون به صراحت عنوان می‌دارد که راهکارهایی مانند: «تامین اجتماعی» و «حفظ محیط زیست» جایی در توافق‌نامه‌های تجارت آزاد ندارند. اگر این واقعیت‌ها افشا نشوند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آن چه به‌عنوان قوانین باقی می‌ماند، قوانین مالیات بر حقوق است که فرودستان به‌فرادستان می‌پردازند و کاری به شیوه‌ی مک‌دونالد (مک جابز<sup>۲</sup>) یعنی ساعات کار و استخدام و اخراج بی‌پایان.

از زمانی که ارنست زدیلو<sup>۳</sup> رییس جمهور مکزیک شد، به عضویت هیات مدیره‌ی شرکت یونیون پاسیفیک<sup>۴</sup> و کنسرسیوم پروکتراوند گمبل<sup>۵</sup> درآمد که در ۱۴۰ کشور فعالیت دارند. وی هم‌چنین به ریاست یکی از کمیسیون‌های سازمان ملل برگزیده شد. او نظراتش را از طریق مجله‌ی فریز<sup>۶</sup> ترویج می‌دهد.

در سخنان این «تکنوکرات» خشمی آشکار علیه «به‌کارگیری استناداردهای یکسان برای کار جهانی در موافقت‌نامه‌های جدید تجاری» به چشم می‌خورد. نقطه نظر وی به‌زبان ساده یعنی دور ریختن یکباره و همیشگی سطل زباله‌ی حاری قوانین بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران. اگرچه در موضع‌گیری‌های رییس قبلی جنرال الکتریک نیز برده‌داری قابل تشخیص بود، اما مدیر اجرایی سازمان مرکزی این شرکت مساله را به‌زبان صریح‌تری بیان کرده است: «برای موفقیت در رقابت، باید کارگران را هرچه بیشتر دوشید».

در برابر اعتراض کارگران، شرکت‌ها خود را از هر گناهی مبرا دانسته و می‌گویند: ما بی‌گناهم، در صنعت پسامدرن نیروی کار متمرکز نیست. این موضوع نه تنها در موسسه‌های

1. Nike

2. Mac Jobs

3. Ernesto Zedillo

4. Union Pacific Corp

5. Procter &amp; Gambel

6. Forbes

خصوصی کوچک، بلکه در همه جا صادق است. پیمانکاران سه چهارم قطعه‌های ماشین تویوتا را تولید می‌کنند. تنها یک پنجم کارگران فولکس واگن برزیل کارگران خود شرکت هستند. از ۸۱ نفر کارگر پتروبروس<sup>۱</sup> که در سوانح کاری در سه سال اخیر کشته شده‌اند، ۶۱ نفرشان کارگران پیمانکاران بوده‌اند که استانداردهای ایمنی در موردشان مراعات نمی‌شد. عروسک‌های باری را ۳۰۰ پیمانکار تولید می‌کنند. نصف این تولید متعلق به چین است. در چین اتحادیه‌های کارگری وجود دارد اما تحت فرمان دولت سوسیالیستی است. به تازگی بواکسیلای<sup>۲</sup> دبیر کل حزب کمونیست چین در یکی از بزرگ‌ترین بندرهای چین گفت: «ما علیه ناآرامی‌های کارگری و عدم ثبات اجتماعی مبارزه می‌کنیم تا شرایط مطلوب سرمایه‌گذاران را فراهم کنیم.»

قدرت اقتصادی بیش از هر موقع دیگر به انحصار درآمده است، اما کشورها و مردم تا آنجا که می‌توانند به تلاش خود ادامه می‌دهند. هر روز قیمت‌ها افزایش و درآمدها کاهش می‌یابد. دو برابر کار برای نصف حقوق - آنچه به دور ریخته شده، دست‌آورد‌های ۲۰۰ سال مبارزه‌ی کارگران برای کسب حقوق خود است. بیگارخانه‌های مکزیک، آمریکای مرکزی، و کاراییب بیش از مجتمع‌های صنعتی به این حقوق ضربه وارد آورده‌اند. از هر ده نفر تازه استخدام در آرژانتین، هشت نفر به کار «سیاه» مشغول‌اند و از هیچ‌گونه حمایت قانونی برخوردار نیستند. در سراسر آمریکای لاتین از هر ۱۰ نفر کارگر جدید ۹ نفر به بخش «غیررسمی» تعلق دارند. به این معنی که کارگران به امان خدا رها شده‌اند. آیا روابط کاری با ثبات و سایر حقوق کارگران به زودی به موضوعی متعلق به عهد باستان بدل خواهد شد؟ آیا کسی خاطره‌ی آن را به یاد خواهد داشت؟

در چنین دنیای زیور و شده‌ای، آزادی مردم سرکوب می‌شود و آزادی پول، حاکمیت خود را بر کارگرانی محبوس شده در بدترین نوع زندان - یعنی زندان ترس - اعمال خواهد کرد. خدای بازار هر کارگری را در هر جا که باشد می‌شناسد و در موقع لزوم تنبیه خواهد کرد. ترس از بیکاری به کاهش مزد نیروی کار و افزایش سود می‌انجامد. این سرچشمه‌ی روزمره‌ی وحشتی جهانی است.

برای مقابله با وحشت پرتاب شدن به انتهای صف جست‌وجوی کار چه می‌توان کرد؟ یک سال و نیم پیش رییس شرکت کوکاکولا در توضیح اخراج هزاران نفر از کارگران چنین بیان کرد: «ما موانع داخلی را از سر راه برداشتیم». چه کسی از تبدیل شدن به «موانع داخلی» نمی‌ترسد؟

و آخرین پرسش این‌که آیا پیش از آن‌که پول جهانی شود، جهان به مطیع‌شدگان و مطیع‌کنندگان تقسیم خواهد شد؟ آیا ما می‌توانیم مبارزه برای دفاع از شخصیت کارگران را به موضوعی بین‌المللی و چالشی جهانی تبدیل کنیم؟